«پسر شائول» خدمتگزار هولوکاست از مجارستان آمد

فیلم هولوکاستی شانس اول دریافت اسکار

■ **هادی عسگری**

فیلم سینمایی «پسر شائول» فیلم هولوکاستی ساخته «لاسلو نمش» کارگردان مجار به عنوان شانس اول دریافت اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان امسال معرفی شد. این فیلم جایزه بهترین فیلم خارجی زبان گلدن گلوب را به دست آورده و اکنون در انتظار جایزه اسکار است.

سینمای امریکا همیشه به فیلم‌هایی با موضوع هولوکاستی و ادعای صهیونیست‌ها درباره قتل‌عام یهودیان در طول دوران جنگ جهانی دوم توجه داشته است و فیلم‌هایی که با محوریت هولوکاست تولید شده‌اند را با اهدای جایزه و اکران گسترده حمایت کرده است. کمی پس از پایان جنگ جهانی دوم در اروپا، ۱۳ نفر از گردانندگان اصلی هالیوود، که همگی یهودی بودند، به دعوت «دوایت دیوید آیزنهاور» رئیس جمهور وقت امریکا گرد هم آمدند و «آیزنهاور» از آنها خواست تا وحشت هولوکاست را در قالب سینما و تلویزیون به جهانیان نشان دهند. پس از این ملاقات که در سال ۱۹۴۵ انجام شد، اگرچه این افراد متعهد شده بودند که فیلم‌هایی بسازند که تصویرگر کشتار ۶ میلیون یهودی به دست نازی‌ها باشد ولی به تعهد خود عمل نکردند. این بی‌توجهی تا سال ۱۹۵۹ و ساخت فیلم «خاطرات آن فرانک» ادامه یافت. این فیلم که براساس نمایشنامه‌ای پرفروش به همین نام ساخته شده داستان دختری یهودی است که به همراه خانواده‌اش در طول جنگ جهانی دوم به طور مخفیانه زندگی می‌کنند ولی پس از اتمام جنگ، خاطرات خود را منتشر می‌کند. این فیلم برنده سه جایزه اسکار شد.

در واقع پرده‌های سالن‌های سینما در بهار ۱۹۴۵ پر بود از تصاویر مستند، روزنامه‌ها و ژورنال‌هایی که در بردارنده داستان‌هایی در باب این قتل عام‌ها بود. در ۱۹۴۷-۱۹۴۶ اولین فیلم‌های ساخته شده به مسئله هولوکاست پرداختند. نویسنده امریکایی به نام میر لوین در مورد فضای آلمان بعد از جنگ می‌گوید هیچ کشوری به اندازه آلمان دست به تولید فیلم‌هایی در مورد هولوکاست، مسائل یهودیان، نازیسم و ضد یهود ستیزی نزده است. بعد از اتمام جنگ بسیاری از آنهایی که در دوران حکومت رایش سوم آلمان را ترک کرده بودند، فرار کرده بودند یا تبعید شده بودند به آلمان بازگشتند که بسیاری از آنها هنرمند، نویسنده، دانشمند، فیلمساز و شاعر بودند. سینمای بعد از جنگ آلمان به شدت تحت‌تأثیر حضور این افراد بود. آنها در فیلم‌هایشان از یک یا دو طریق به مسائلی از قبیل گناه، اخلاق و بافت یهودی آلمان می‌پرداختند. فیلم‌هایی از قبیل «ازدواج در سایه» (۱۹۴۷) و «شورای خدایان» (۱۹۵۰) ساخته کورت مائتزیک، «رویداد» ساخته اریش انگلس (۱۹۴۸)، «گردش» (۱۹۴۹) ساخته وولفگانگ اشتات و «غلام قیصر» (۱۹۵۱) بر اساس داستانی از هاینریش‌مان تجربه یهودیان آلمان دوره نازی‌ها را نشان می‌دهد. تعدادی از اعضای انجمن فیلم برلین که برخی از آنها در دوران جنگ سرد در برلین زندگی می‌کردند تصمیم به ساخت چنین فیلمی گرفتند؛ فیلمی که قرار بود حقایق مربوط به تجربه یهودیان آلمان بعد از ۱۹۳۳ را بازگو کند. در سال ۱۹۹۳ «استیون اسپیلبرگ»، فیلمساز مشهور و یهودی هالیوود با ساخت «فهرست شیندلر» یکی از مهم‌ترین فیلم‌های هولوکاستی تاریخ سینمای امریکا را به نام خود به ثبت رساند. فیلم بر اساس کتاب «شیندلرز آرک» برنده جایزه بوکر، ساخته شده است. این فیلم برنده هفت جایزه اسکار از جمله اسکار بهترین فیلم و بهترین کارگردانی سال شد و در واقع اولین فیلم سیاه و سفیدی بود که بعد از سال ۱۹۶۰، جایزه اسکار بهترین فیلم را به دست آورد.

«فهرست شیندلر» درباره یک تاجر عضو حزب نازی (با بازی لیام نیسون) است که به خاطر طبع خوشگذران و عیاش خود و با توجه به دوستی بین او و مقامات رده بالای ارتش که بیشتر به خاطر سخاوت وی است، موفق می‌شود کارخانه‌ای را با پول یهودیانی که در خفا با آنان شریک شده بخرد. سپس با توجه به همین روابط یهودیان را به عنوان کارگر در کارخانه استخدام می‌کند و رفته‌رفته این کارخانه راه فراری برای بعضی از یهودیان می‌شود که در قرنطینه مانده‌اند و خطر مرگ هر لحظه آنان را تهدید می‌کند. «استیون اسپیلبرگ» که خود یهودی است و سالانه چند میلیون دلار به رژیم صهیونیستی کمک نقدی می‌کند. او شش سال بعد نیز در سال ۱۹۹۹، در فیلم مستند «آخرین روزها» از دریچه دوربین خود داستان پنج بازمانده کشتار یهودی‌ها به دست حزب نازی را به تصویر کشید. چند سال بعد نیز «رومن پولانسکی»، فیلمساز امریکایی تبعید شده، فیلم «پیانیست» را ساخت که توانست جایزه اسکار بهترین کارگردانی را برای او و جایزه بهترین بازیگر نقش اول مرد را برای «آدرین برودی» به ارمغان بیاورد. حال امسال نیز یک فیلم هولوکاستی در آستانه دریافت اسکار قرار گرفته است. فیلم «پسر شائول» از مجارستان در گزارشی از سوی نشریه سینمایی «اسکرین دیلی» شانس اول دریافت اسکار بهترین فیلم خارجی زبان معرفی شد. «پسر شائول» داستان دو روز از زندگی شائول زندانی مجارستانی که در گروهی به نام ساندرکوماندو در آشویتس کار می‌کند را روایت می‌کند. داستان فیلم «پسر شائول» درباره زندانی یهودی و کارگر اجباری در بازداشتگاه آشوئیتس به نام «شائول» است. کار او سوزاندن زندانیانی است که در اتاق گاز کشته شده‌اند. اوج فیلم زمانی است که شائول تصور می‌کند جسد پسرش را در میان اجساد دیده است. برخلاف وظایف و در جدال با وجدانش در نهایت تصمیم می‌گیرد او را با احترام به خاک بسپارد. این فیلم از زمان حضور در جشنواره کن مطرح شد و اکنون منتظر اعلام نتایج اسکار است.

ولتر، آن‌گونه که بود منتشر شد

جلد اول از مجموعه کتاب‌های «بازخوانی فرهنگ و اندیشه مدرن» زیر مجموعه «اندیشمندان» با عنوان «ولتر، آن‌گونه که بود» تألیف دکتر شهریار زرشناس روانه بازار نشر شد.

از آغاز مواجهه دنیای شرق و جهان اسلام با مظاهر جدید تمدن غرب، که با ابزار فلسفه‌های الحادی و علوم سکولار بیشتر ساحت‌های فکری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان را به تصرف خود درآورده است، اصحاب اندیشه و تدین جهان اسلام رویکردهای متفاوتی برای سامان دادن تعامل صحیح با آن مطرح کرده‌اند. در کشور ما نیز طی نیم قرن اخیر جریانی فکری شکل گرفته است که جمع هم‌ورزان آن یکی از شناخته شده‌ترین مجموعه‌ها در زمینه مقابله با اندیشه‌های بنیادین غربی‌اند و به سهم خود کمک شایانی به بازشناسی این فرهنگ استعماری کرده‌اند، هرچند منتقدان این جریان نیز همواره با آن در چالش‌هایی حتی گاه تند بوده‌اند، لکن در یک نگاه کلی می‌توان برای مردم آسیب‌دیده از غرب مهاجم این حق را قائل شد که به او به دیده دشمن بنگرند و سعی کنند دشمن‌شناس باشند. کتاب حاضر با عنوان «ولتر، آن‌گونه که بود» به بررسی آرا و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی ولتر نویسنده معروف فرانسوی می‌پردازد. این اثر در سه فصل، تدوین شده است. فصل اول کتاب با عنوان «ولتر، روشنگری، روشنفکری» به افکار و اندیشه‌های این اندیشمند می‌پردازد و فصل دوم کتاب زندگینامه ولتر را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. در فصل آخر کتاب هم ولتر در یک نگاه واکاوی شده و موضوعاتی چون ولتر و فلسفه تاریخ، ولتر و کاندید، ولتر دین ستیز و غیره در آن رمزگشایی می‌شود. چاپ نخست کتاب «ولتر، آن‌گونه که بود» در ۱۲۴ صفحه با قیمت ۵ هزار و ۵۰۰ تومان و در شمارگان یکهزار نسخه از سوی انتشارات سروش منتشر شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

فیلمی که قصه‌گوی ساده ولی گرم است

یک پذیرایی خانوادگی در «کوچه بی‌نام»

■ **محسن غلامی (قلعه سیدی)**

خیلی از فیلمسازان ما کم کم چیزی به اسم مخاطب عام را یادشان رفته است. فیلم می‌سازند باری به هرجهت. اگر بیننده نداشته باشد پز روشنفکری می‌دهند که دنبال خواص هستیم. اسمشان را می‌گذارند هنری‌ساز و از این جور اسم‌ها. خب مگر مجبوری؟ نساز!

اما در نقطه مقابل هستند عده‌ای دیگر که به سینمای قصه‌گو مشغولند چه قوی چه ضعیف. از این داستان‌هایی که بشود باورش کرد. حال و هوای خانه‌های ایرانی را داشته باشد، بالا و پایین‌شهری‌اش نیز فرق ندارد، ماجرایی که بوی جامعه را بدهد. اگر دوست داشت نیش و کنایه هم بزند. پس توی سینماگر نمونه دم‌دستی‌اش را بساز، شاهکار پیشکش.

این را گفتم تا از «کوچه بی‌نام» حرف بزنیم به عنوان مصداقی که حداقل فاکتورها را دارد. جریانی از آدم‌های جنوب شهری که فیلمساز البته برخلاف خیلی‌ها این‌بار آن را چرک نشان نمی‌دهد. داستان حاج‌مهدی و بچه‌هایش که هر کدام از تضاد و تفاوتِ نسلی و هرچه اسمش را بگذارید، حرف می‌زند. عشق بی‌شیله پیله و یکسری حوادث نیز چاشنی کار است.

می‌شود داستانش را لمس کرد شاید نه به شدت مقدمه‌ای که نوشتیم، ولی فیلم‌بدی نیست. دلیلش ایرانی بودنش است و این را از شخصیت‌پردازی کاراکترهایش می‌توان فهمید. چه فرهاد اصلانی و صدرعرفایی باشد و چه دو تا دخترک و بقیه. کمی اغراق چاشنی آدمک‌هایش است ولی ایراد عجیبی ندارد بالاخره سینماست. خودی بودنشان را هم برای مخاطب، رو می‌کنند.

■ **لااقل حال مخاطب را بد نمی‌کند**

کاراکترهای «کوچه بی‌نام» برخلاف نظرات برخی، نه قرار است نماد باشند، نه تخریب اعتقادات یا مدعی پز روشنفکری و امثال این بحث‌ها. دنبال از آب، کره گرفتن هم نرفته است! صرفاً قصه خودمانی برای دورهمی چندساعته است، حال مخاطب را هم نمی‌گیرد.

اثر جمع و جوری است در کنار برخی ایرادات. مثلاً برخی نقش‌ها و روابطشان برای یک فیلم، شلوغ‌بازی گاه زیادی دارند البته روایت را مضحکه نمی‌کنند مثل تزریق همان دختر چاق در چند سکانس که بی‌خودی است. بازی همه دلچسب نشده چنانکه به گمانم بازی ملیسا ذاکری زیادی استخوان‌قورت داده است. پانته‌آ بهرام و بعد خُل‌بازی اغراق‌شده‌اش نیز دست کمی از او ندارد. ولی در یک نقطه یعنی کشمکش کاراکترها به عنوان پیکره این داستان خانوادگی بجاست به خصوص بازی سه خواهر فیلم و بگومگوهایشان که حی و حاضر است و باورپذیر از کار درآمده است. هاتف علیمردانی برای فیلمش نقش بی‌ربط نتراشیده است. بازیگرانش با وجود همهمه‌شان بالاخره حتی در حد اشاره باشد، یک تز و دنیای متفاوتی دارند. گیردادن‌های مادر قصه، تا بیخیالی نه چندان باورکردنی پدر یا درددل محدثه و نصیبه و عشق‌های کوچک دزدکی این دو جا افتاده‌اند، درآمده‌اند، ول نمی‌شوند با این‌حال جاهایی شعاری نیز می‌شود مثل نصیحت‌های اصلانی پدر به کوثری دختر. (از لحاظ فرمیک وگرنه در مضمون، ایرادی نیست)

■ **کمی نیمه خالی را ببینیم**

فیلم خوب شروع می‌شود، دست و پا نمی‌زد تا اواسط، ولی ماجرای اصلی بالاخره چه بود؟ عمدتاً باید کشته شدن حمید در سقوط هواپیما و قس علی هذه باشد ولی فعلا که نیست. طوری که قصه بین این و آن پاسکاری و هر لحظه یک نفر دانای کل می‌شود. اینگونه هم «کوچه بی‌نام» هر چند دقیقه به نوبت، شده درونیات یکی از این رل‌ها متأسفانه. پس طرح کلی کار از دستش می‌رود. مثل این می‌ماند که «نقش اصلی را کشت و دفنِ کرد و الفاتحه!» انگار که نه انگار فیلم، اصلاً قصه اوست و بعد به در و دیوار زدن و درام و غیره تعریف کردن.

چنانکه فیلم از استارت تا خبر احتمالی زنده یا مرده بودن حمید، سرراست و به‌وسیله تعلیق «چه شد چه نشد؟» با مخاطب حرف می‌زند، بده بستان حسی کرده و او را پیگیر وا می‌دارد. اما به مرور فقط روایت لحظه‌ای بقیه را می‌شنویم مثلاً اینکه فروغ ضجه می‌زند و خیالبافی می‌کند، محدثه دچار چالش شخصیتی می‌شود، مادر و بابای فیلم هم که صرفاً به گذشته‌شان رجوع می‌کنند!

این سیاق فراموشکاری ادامه یافته تا چند سکانس نهایی و راز حاج مهدی «کوچه بی‌نام» که فیلم بعد کلی پرت‌گویی، بالاخره سر و سامان می‌یابد. به گمانم بدنه نباید اسیر شاخ و برگ‌های فیلمنامه می‌شد. فینال سوررئالش هم که صرفاً برای به رخ کشیدن دوربین است والا ربطی به محتوای آن ندارد.

■ **شاهد روزمرگی سرزنده هستیم**

این فیلم بهترین کار تا به الان هاتف علیمردانی است. فیلم سرجمعی است و متنش زیادی به بیراهه نمی‌رود. حداقل روایتگری می‌کند. پیچیدگی آنچنانی نیز ندارد که مثلاً مخاطب در متنش، گیر کند که سرانجام فلانی پس به کجا رسید یا در ابهام بماند. بیننده سرگیجه نمی‌گیرد و تکلیفش با سر و ته کار و اینکه «چه بود و به کجا رسید؟» مشخص است. بنابراین «کوچه بی‌نام» نمود پرداختی ساده در سینما به زندگی آدم‌های معمولی است که جایشان این سال‌ها در تولیدات خالی بوده است. سادگی نه از جهت دم‌دستی بودن، اگر روزمره است اما بی‌حال و کرخت نیست که خسته‌کننده باشد. به هر حال این جماعت، اتفاقاتشان شیرین‌تر و برای مخاطب، قابل فهم‌تر است.

تصویری کردن حتی این روزمرگی در قالب سکانس‌های سینمایی به این راحتی‌ها نیست، چراکه اگر مردم خودشان را در اینها نبینند به‌راحتی پس می‌زنند. با این توصیف کوتاه، «کوچه بی‌نام» معرکه‌گیری و بازی‌سازی زندگی نیست و اینکه فکر می‌کنم هاتف علیمردانی به‌طور میانگین مخاطبش را این‌بار ناامید نکرده و می‌تواند رضایت نسبی مخاطب را به کار خودش ببیند.

برپایی نمایشگاه قصه‌های «هزار و یک شب»

نمایشگاهی از منتخب داستان‌های «هزار و یک شب» در کتابخانه مرجع کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برپا شده است.

در این نمایشگاه نزدیک به یکصد عنوان از آثار شاخص تألیفی و ترجمه‌ای داستان‌های هزار و یک شب در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته است. بر اساس این گزارش، کتاب‌های «افسانه‌های هزار و یک شب» با ترجمه رویا خویی، «هارون‌الرشید و گدای سمج» ترجمه یوسف آموزگار، «پرواز با اسب ابنوس» بازنویسی محمد شمس، «یک شب از هزار شب» اثر فرهاد حسن‌زاده، «و هفت قصه دیگر» نوشته مجید سیف، «سفرهای سندباد» اثر محمدعلی سپانلو با نقاشی علی‌اکبر صادقی، «داستان‌های نفیس هزار و یک شب» اثر عبداللطیف طسوجی تبریزی و... از جمله آثاری است که در نمایشگاه ویژه ماه‌های اسفند ۹۴ و فروردین ۹۵ به نمایش گذاشته می‌شود. نمایشگاه منتخبی از کتاب‌های قصه‌های «هزار و یک شب» از اول اسفند ۹۴ در کتابخانه مرجع کانون در خیابان خالد اسلامبولی تهران برپا شده است.

مستند راه نو از دهه ۶۰ می‌گوید

مجموعه «تماشا» این هفته مستند «راه نو» ساخته ارد زند در سال ۶۶ درباره ساخت راه‌آهن در مسیر بافق - بندرعباس را روی آنتن می‌فرستد.

ارد زند مستندساز شناخته شده کشور و رئیس فعلی هیئت مدیره انجمن مستندسازان، متولد دی ماه ۱۳۲۸ در تهران و فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای زیبا در رشته سینماست. وی در سال ۱۳۵۸ با ساخت فیلم مستند «جویباره» وارد فعالیت فیلمسازی شد و پس از آن آثار متعددی در کارنامه هنری خود به ثبت رساند. زند سال ۱۳۶۵ در پی انتقال کارگردانان تلویزیون به مراکز استان‌ها، همراه با ابراهیم مختاری بندرعباس را برای ادامه فعالیت انتخاب کرد. وی در بندرعباس تعدادی فیلم ساخت که «راه نو» یکی از آنها بود و درباره ضرورت احداث راه‌آهن جنوب به شمال تولید شد. ساختار این فیلم مشابه مستند قبلی او «جازموریان» بود. دومین قسمت از برنامه «تماشا» ساعت ۲۱ روز یک‌شنبه نهم اسفند روی آنتن می‌رود و دوشنبه ۱۰ اسفند ساعت ۹ بازپخش می‌شود.

تقویت شبکه‌های برون مرزی راه مقابله با تهدید رسانه‌ای عربستان

■ **محمد صادقی**

در حالی که عربستان به دنبال راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی فارسی زبان برای ایجاد جنگ رسانه‌ای با کشورمان است، یکی از اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس معتقد است می‌توان با حمایت از شبکه‌های برون مرزی به مقابله با این حرکت عربستان پرداخت.

راه اندازی شبکه‌های فارسی زبان این بار در امریکا و اروپا بلکه در کشورهای عربی دنبال می‌شود و عربستان مدتی است که سیاست راه‌اندازی شبکه فارسی را عنوان کرده است. اینکه چرا دولت سعودی به دنبال راه‌اندازی شبکه‌های فارسی زبان است را می‌توان در سیاست برخورد این دولت با شبکه‌های ایرانی و رسانه‌های جبهه مقاومت در طول چند سال اخیر مشاهده کرد. عربستان بارها نسبت به توقیف و ایجاد محدودیت برای شبکه‌هایی که اخبار جبهه مقاومت را منتشر می‌کنند اقدام کرده است. این اقدام‌ها در زمان بالاگرفتن اقدامات ضد بشری دولت سعودی در کشورهای یمن و بحرین و شکست تروریست‌ها در سوریه تشدید می‌شود. در شرایطی که سعودی‌ها می‌خواهند شبکه ضد ایرانی فارسی زبان ایجاد کنند، راه مقابله کشورمان با چنین اقدامی چه خواهد بود؟

مفید کیایی‌نژاد، نماینده مجلس و عضو کمیسیون فرهنگی تلاش عربستان سعودی برای راه‌اندازی مؤسسه‌ای رسانه‌ای برای پخش برنامه‌های فارسی زبان را در ادامه جنگ روانی‌ای که در تقابل با ایران به راه انداخته است دانست و گفت: عربستان نه تنها هیچ‌گاه دلش با جمهوری اسلامی ایران صاف نشده و دشمنی آن روز به روز اضافه‌تر می‌شود، بلکه تقابل فرهنگی و رسانه‌ای یکی از ابزار سعودی‌ها برای ایجاد تنش است. نماینده مردم ساوجبلاغ، طالقان و نظرآباد در مجلس شورای اسلامی بر همین اساس تصریح کرد: پیش از این عربستان شبکه ماهواره‌ای فارسی زبانی ایجاد کرده بود اما ظاهراً به آن بسنده نکرده است و اکنون برای دستیابی به اهداف خود اقدام به گسترش آن به یک مؤسسه رسانه‌ای کرده است که همین امر باید زنگ خطری برای مسئولان فرهنگی و رسانه‌ای کشورمان باشد. وی در ادامه علت ورود عربستان به حوزه تقابل رسانه‌ای را فعالیت‌های رسانه‌ای ایران و تأثیر آن در منطقه عنوان کرد و گفت: شبکه‌های برون مرزی کشورمان توانسته‌اند با برنامه‌ریزی به برخی اهداف خود در خصوص ترویج فرهنگ انقلاب اسلامی در منطقه دست پیدا کنند که همین نفوذ موجب هراس سعودی‌ها شده است. کیایی‌نژاد در ادامه تأکید کرد: حال که عربستان نیز به فکر رویارویی رسانه‌ای افتاده است، دولت باید همت بیشتری برای حمایت و گسترش فعالیت شبکه‌های برون مرزی از خود نشان دهد چنانچه در حال حاضر بودجه‌ای که برای این بخش در نظر گرفته شده بسیار ناچیز است.

■ **ضرورت تخصیص بودجه برای تقویت شبکه‌های برون‌مرزی**

کیانی‌نژاد افزود: پیش از این شبکه‌های برون مرزی ما همچون مجموعه شبکه‌های سحر، العالم، پرس تی‌وی و هیسپان تی‌وی به خوبی توانستند در جریان اتفاقات منطقه روشنگر باشند و برنامه‌هایی مناسب حال آزادیخواهان تهیه کنند تا جایی که این برنامه‌ها به مذاق برخی حکومت‌های منطقه خوش نیامد و اقدام به قطع پخش برنامه این شبکه‌ها در کشور خود کردند.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در پایان با تأکید بر حمایت دولت از شبکه‌ها و رسانه‌های برون مرزی خاطرنشان کرد: دولت در زمان نگارش بودجه ۹۵ و برنامه ششم توسعه کشور خیلی ساده از کنار مسائل فرهنگی رد شده است در حالی که برخی از این توجهات موجب تقویت امنیت ملی کشور نیز می‌شود چنانچه سعودی‌ها برای رسیدن به اهداف فرهنگی خود حاضرند سرمایه‌گذاری کلانی کنند، مسئولان کشور نیز باید نسبت به اهمیت این موضوع حساس باشند. تقویت شبکه‌های خبری ایرانی می‌تواند یکی از راه مقابله با تهدیدات عربستان و همپیمانانش باشد. همان طور که پیش از این نیز اطلاع‌رسانی مستقل شبکه‌های ایرانی باعث شد تا امپراتوری رسانه‌ای غرب با چالش روبه‌رو شود، این بار نیز برای مقابله با ارتجاع دولت‌های عربی که در حال برنامه‌ریزی رسانه‌ای برای ضربه زدن به ایران هستند، یکی از ابزار قابل اعتماد، توسل به توان رسانه‌ای و توقیت شبکه‌های برون مرزی است. اخیراً وزیر فرهنگ و اطلاع‌رسانی عربستان از آغاز فعالیت‌ها برای تبدیل شبکه‌های خبری این کشور به یک مؤسسه رسانه‌ای جهت پخش برنامه به زبان‌های فارسی، اردو و انگلیسی خبر داد.

«۱۷۵ شهید غواص» از نوروز ۹۵ کلید می‌خورد

فیلم سینمایی «۱۷۵ غواص» به کارگردانی سعید چاری نوروز ۹۵ جلوی دوربین می‌رود.

سعید چاری کارگردان سینما با اعلام این خبر، گفت: فیلمنامه این فیلم سینمایی چندین بار بازنویسی شده و آخرین بازنویسی آن تا ۱۵ روز آینده به پایان می‌رسد. در حال حاضر در مرحله طراحی استوری بورد هستیم و با توجه به موضوع متفاوتی که این اثر سینمایی دارد، می‌خواهیم همه چیز با دقت در پیش تولید انجام شود تا در طول فیلمبرداری دچار مشکل نشویم.

وی ادامه داد: در این فیلم حضور بازیگرانی چون پولاد کیمیایی، علیرضا خمسه، مجید حاجی‌زاده و سیدجواد هاشمی قطعی شده است و تا چند روز آینده تعدادی از بازیگران جدید نیز به این پروژه اضافه می‌شود. این کارگردان با اشاره به همکاری نیروی دریایی در این فیلم تأکید کرد: فیلمبرداری «۱۷۵ غواص» از ۱۰ فروردین ماه آغاز می‌شود. این پروژه سینمایی دارای لوکیشن‌های مختلفی در بخش‌های مختلف کشور است. وی با اشاره به احتمال حضور پولاد کیمیایی در فیلم سینمایی «قاتل اهلی» و نحوه همکاری او با فیلم «۱۷۵ غواص» توضیح داد: این فیلم در لوکیشن‌های مختلفی مانند اصفهان و جنوب کشور فیلمبرداری می‌شود و با توجه به اینکه «۱۷۵ غواص» به صورت اپیزودیک کار می‌شود، با توجه به برنامه ریزی‌های انجام شده در روزهای اول فیلمبرداری نیازی به حضور پولاد کیمیایی نیست. در واقع شرایطی را فراهم کردیم تا این بازیگر بتواند در زمان مناسب برای بازی در این فیلم به گروه بپیوندد. سعید چاری در پایان گفت: در حال حاضر نام این اثر سینمایی «۱۷۵ غواص» است که به زودی نام آن تغییر می‌کند. پیش از این فیلمنامه «۱۷۵ غواص» در مورد عملیات «کربلای ۴» نوشته شده بود که بعد از بازنویسی‌های انجام شده به عملیات‌های «والفجر ۸»، «کربلای ۴» و «کربلای ۵» نیز اشاره کرده‌ایم.

سیر تحول عرفان هندی منتشر شد

علاقه‌مندان و پژوهشگران عرفان که علاقه‌مند به مطالعه در خصوص عرفان‌های هندی هستند، می‌توانند از «سیر تحول عرفان هندی» نوشته سورندراناته داسگوپتا که با ترجمه دکتر ابوالفضل محمودی از سوی انتشارات سمت منتشر شده است بهره ببرند.

عرفان گیتا عبارت است از اعتقاد به اینکه انجام عمل بدون دلبستگی یا انگیزه خودخواهانه و با پیشکش کردن ثمرات آن به خداوند، انسان را به بالاترین درک یا آزادی رهنمون می‌شود... (ص ۱۰۲ متن کتاب). سورندراناته داسگوپتا، فیلسوف فقید و عارف برجسته معاصر هندی، بی‌نیاز از معرفی است. او نویسنده مهم‌ترین کتاب موجود در تاریخ فلسفه هندی و استاد و گوروی میرچا الیاده، به تعبیر خود اوست. اثر حاضر که نویسنده در مقدمه به زمان و مکان شکل‌گیری آن اشاره کرده، خلاصه‌ای است از برجسته‌ترین جنبه‌های برخی از مهم‌ترین عرفان‌های هندی که سیر تحول و تکامل اندیشه معنوی هند و فراز و فرود آن را نشان می‌دهد. او از دوره ودایی آغاز می‌کند، سپس ژرفای معنوی اوپنیشدها را نشان می‌دهد و پس از آن به ترتیب به مکتب‌های عرفانی یگه و بودا می‌پردازد. فرجام سیر تحول اندیشه معنوی هندو طریقت عشق یا بهکتی است که نویسنده، دو مرحله کلاسیک و مردمی آن را بررسی و تحلیل کرده است. کتاب حاضر برای دانشجویان رشته‌های ادیان و عرفان، عرفان و تصوف و ادیان غیر ابراهیمی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری به عنوان منبع کمک‌درسی دروس «ادیان هند و بودایی»، «عرفان و اخلاق در ادیان غیر ابراهیمی»، «تاریخ و اندیشه‌های ادیان هند» و «عرفان تطبیقی» و برای پژوهشگران، طلاب علوم دینی، استادان و سایر علاقه‌مندان به اندیشه‌های عرفانی منبعی قابل اعتماد و مفید است. ضمن تشکر از مترجم محترم، آقای دکتر ابوالفضل محمودی، از استادان و صاحبنظران ارجمند تقاضا می‌شود با راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود ما را در اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری نمایند. چاپ اول کتاب سیر تحول عرفان هندی از سوی انتشارات سمت در ۱۶۴ صفحه و با قیمت ۴۵هزار ریال وارد بازار کتاب شده است.